**یک صفحه تاریخ (تیر ماه 1331)**

مجلس شواری با اکثریت ضعیف میل خود را بادامهء زمامدای آقای دکتر مصدق اظهار داشت.

از سناتورها 14 نفر بنخست‏وزیری دکتر مصدق رای دادند و 22 نفر امتناع کردند. (36تن در جلسه حضور یافته بودند).

فرمان شاه

پس از تشریفات اعلام رای تمایل،فرمان‏ نخست‏وزیری آقای دکتر محمد مصدق صادر شد. (19 تیر)

مادهء واحد

نخست‏وزیر تصویب این پیشنهاد را از مجلس‏ خواستار شد:

«مجلس شواری ملی بآقای دکتر محمد مصدق‏ اختیار میدهد ظرف شش ماه لوایحی را برای امور مالی،اقتصادی،سازمان بانکی،استخدامی،و ایجاد سازمانهای مجلسی تنظیم و اجرا نماید و پس‏ از آزمایش برای تصویب بمجلس تقدیم نماید».

جمعی از وکلا با این پیشنهاد مخالف بودند ولی هیچگاه مطرح نشد.

استعفای مجدد

پس از یک هفته(26 تیر)دکتر مصدّق‏ استعفای خود را از ریاست دولت بشاه تقدیم داشت‏ و پذیرفته شد.

از علل اساسی استعفای رئیس الوزراء یکی‏ این بود که مجلس شوری با اختیاراتی که میخواست‏ روی موافقت ننمود،دیگر آنکه از 36 سناتور بیش از چهارده نفر بادامهء ریاست وی آشکارا رای‏ ندادند.سه دیگر انتخاب دکتر امامی بریاست‏ مجلس شوری بمیل او نبود(حتی رئیس مجلس را نپذیرفت)،و از همه مهمتر اینکه شاه با تقاضای وی‏ دائر بر اینکه رئیس الوزراء وزارت جنگ را خود عهده‏دار گردد و سپاهیان را بفرمان خود داشته‏ باشد،موافقت نکرد.

حکومت قوام

در جلسهء خصوصی مجلس،48 تن از نمایندگان‏ بنخست‏وزیری آقای احمد قوام(قوام السلطنه) رأی تمایل دادند(نمایندگان جبههء ملی و وابستگان‏ آنها در این جلسه حاضر نشدند)و بلافاصله بر طبق‏ این رأی فرمان شاه صادر شد.

نخست‏وزیر جدید در اولین وهله زمام قوای‏ انتظامی و تبلیغاتی را بدست گرفت و اعلامیه‏ای‏ شدید اللحن انتشار داد که چون بسیاری،صدور چنین اعلامیه‏ای را از موجبات سقوط وی می‏دانند بعبارت نقل می‏کنیم.

اعلامیه قوام السلطنه

ملت ایران:

بدون اندک ترید و درنگ دعوت شاهنشاه‏ متبوع و مفخم خود را بمقام ریاست دولت پذیرفته‏ و با وجود کبرسن و نیاز باستراحت این بار سنگین را بر دوش گرفتم.در مقابل سختی و آشفتگی اوضاع‏ در مذهب یک وطن‏خواه صمیمی کفر بود که‏ بملاحظات شخصی شانه از خدمتگزاری خالی کند و با بی‏قیدی به پریشانی و سیه‏بختی مملکت نظاره نماید. حس مسؤلیت و تکلیف مرا بر آن داشت که از فرصت مغتنم استفاده کرده و در مقام ترمیم ویرانیها برآیم.

ایران دچار دردی عمیق شده و با داروهای‏ مخدّر درمان‏پذیر نیست،باید ملت همکاری بی‏دریغ‏ خویش را از من مضایقه ندارد تا بتوانم باین بیماری‏ علاج قطعی دهم،مخصوصا در یکسال اخیر موضوع‏ نفت کشور را بآتش کشیده و بی‏نظمی عدیم النظیری‏ را که موجب عدم رضایت عمومی شده بوجود آورده‏ است.این همان موضوعی است که ابتداء من عنوان‏ کردم و هنگامی که لایحهء امتیاز نفت شمال در مجلس‏ مطرح بود موقع را غنیمت شمرده و استیفای حق‏ کامل ایران را از کمپانی جنوب در آن لایحه گنجانیدم. بعضی‏ها در آنوقت تصور نمودند همین اشاره‏ باعث سقوط حکومت من شد.